

فنون ترجمه

- ۱۰ ترجمه فعل‌ها
- ۲۶ معنای برخی فعل‌ها با حرف جر تغییر می‌کند
- ۲۶ ترجمه فعل‌های ثلاثی مزید
- ۲۹ ترجمه اسم اشاره
- ۳۰ معادل «که» در زبان عربی
- ۳۰ معادل «دارد» در زبان عربی
- ۳۲ معانی و تشخیص نوع «ل» در جمله
- ۳۴ ترجمه اسم‌های مفرد و جمع
- ۳۵ ترجمه اسم‌های معرفه و نکره
- ۳۶ معادل «فقط (تنها)» در جملات عربی
- ۳۷ معنی «ای» در جملات
- ۳۸ ترجمه اسم فاعل و اسم مفعول
- ۳۸ ترجمه اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان
- ۴۱ ترجمه حال
- ۴۲ ترجمه مفعول مطلق
- ۴۴ ترجمه مستثنی و اسلوب حصر
- ۴۶ ترجمه حروف مشبیه بالفعل
- ۴۸ ترجمه «لا»ی نفی جنس
- ۵۰ ترجمه کلمه «کَلَّ»
- ۵۱ ترجمه اعداد
- ۵۳ تکنیک‌های ترجمه فعل ماضی در یک نگاه
- ۵۴ تکنیک‌های ترجمه فعل مضارع در یک نگاه

قواعد

- ۱۴۹ مرور قواعد پایه‌های هفتم، هشتم و نهم (عربی دهم - درس ۱)
- ۱۴۹ فعل
- ۱۵۲ اسم
- ۱۵۳ اسم‌های اشاره
- ۱۵۳ حرف
- ۱۵۴ کلمات پرسشی
- ۱۵۵ موصوف و صفت
- ۱۵۶ مضاف و مضاف‌الیه
- ۱۵۷ ترکیب صفت و مضاف‌الیه
- ۱۵۷ وزن کلمات و حروف اصلی آن‌ها
- ۱۶۵ مبحث اعداد (عربی دهم - درس ۲)
- ۱۷۴ اشکال افعال (۱) و (۲) (عربی دهم - درس‌های ۳ و ۴)
- ۱۸۸ جمله‌ فعلیه و جمله‌ اسمیه (عربی دهم - درس ۵)
- ۱۹۷ معرب و مبنی (ویژه انسانی‌ها) (عربی دهم - درس ۶)
- ۲۰۳ فعل معلوم و مجهول (عربی دهم - درس ۶) (درس ۷ انسانی)

- ۲۱۰ جار و مجرور و نون وقایه (عربی دهم - درس ۷) (درس ۸ انسانی)
- ۲۱۸ اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه (عربی دهم - درس ۸) (عربی یازدهم انسانی - درس ۲) ..
- ۲۲۶ اسم تفضیل و اسم مکان (عربی یازدهم - درس ۱)
- ۲۳۶ اسلوب شرط و ادوات آن (عربی یازدهم - درس ۲) (درس ۳ انسانی)
- ۲۴۴ معرفه و نکره (عربی یازدهم - درس ۳) (درس ۴ انسانی)
- ۲۵۰ جمله بعد از اسم نکره (عربی یازدهم - درس ۴) (درس ۵ انسانی)
- ۲۵۸ ترجمه فعل مضارع (۱) (عربی یازدهم - درس ۵) (درس ۴ انسانی)
- ۲۶۰ ترجمه فعل مضارع (۲) (عربی یازدهم - درس ۶)
- ۲۷۲ معانی افعال ناقصه (عربی یازدهم - درس ۷)
- ۲۷۹ معانی حروف مشبیهة بالفعل و «لا»ی نفی جنس (عربی دوازدهم - درس ۱) ..
- ۲۸۸ حال (قید حالت) (عربی دوازدهم - درس ۲)
- ۲۹۴ اسلوب استثناء و حصر (عربی دوازدهم - درس ۳)
- ۳۰۱ مفعول مطلق (عربی دوازدهم - درس ۴)
- ۳۰۸ اسلوب ندا (ویژه انسانی‌ها) (عربی دوازدهم - درس ۵)
- ۳۱۲ عوامل تأکید در جمله (ویژه انسانی‌ها) (ترکیبی)



مقدمه

پیش از این که بخواهم نکات ترجمه‌ای را بیان کنم که در تست‌ها باید به چه چیزهایی توجه کنید و در گزینه‌ها دنبال چه نکته‌هایی باشید، خدمتان عرض کنم که کتاب‌های نسل جدید ترجمه‌محور هستند یعنی باید به ترجمه و قواعد آن بسیار دقت کنیم، حتی سؤالات قواعد را با ترجمه حل کنیم. اتفاقاً حل تست‌های ترجمه با توجه به این نکات خیلی سخت نیست و می‌توانید در این قسمت خوب بدرخشید و اعتماد به نفس پیدا کنید. دقت هم داشته باشید تعدادشان در سؤالات کنکور و تشریحی (نهایی و مدرسه‌ای) (خدا را شکر) کم نیست.

برای حل تست‌ها و سؤالات نیاز داریم نکات زیر را به خوبی یاد بگیریم. می‌توان نکات کلیدی را به صورت مخفف «فضامن» در نظر داشت که برگرفته از بررسی این نکات «ترجمه فعل‌ها - ضمائر - اسم اشاره - مفرد و جمع - نکره و معرفه» می‌باشد.

ترجمه فعل‌ها

۱) فعل ماضی ساده

در فارسی فعل‌های «رفتم، رفتی و ...» فعل ماضی ساده هستند.
مثال: ذهبْتُ: رفتم ذهبوا: رفتند ذهبْتُنَّ: رفتید
ماضی ساده منفی:

ماضی ساده منفی به این صورت می‌آید:

ما + فعل ماضی / لم + فعل مضارع

مثال: ما ذَهَبْتُ: رفتم ما ذَهَبُوا: نرفتند
 لَمْ يَذْهَبْ: نرفت لَمْ يَذْهَبُوا: نرفتند



نمونه تست

«إِنْزَعَجْتُ مِنْ بَعْضِ أَعْمَالِهِ الَّتِي كَانَتْ تَسَبِّبُ أَذَى النَّاسِ، وَلَكِنَّهُ لَمْ يَهْتَمَّ بِإِنْزَعَايِ!»:

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

۱) از بعضی کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!

۲) بعضی از اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!

۳) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم؛ زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی داد!

۴) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

پاسخ

«إِنْزَعَجْتُ مِنْ بَعْضِ أَعْمَالِهِ الَّتِي كَانَتْ تَسَبِّبُ أَذَى النَّاسِ، وَلَكِنَّهُ لَمْ يَهْتَمَّ بِإِنْزَعَايِ!»:

ماضی

ماضی

۱) از بعضی کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد! ✓

۲) بعضی از اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!
از نظر صیغه درست نیست

۳) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم؛ زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی داد!
ماضی بعید

۴) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!
ماضی بعید



۴) كانت رائحة الأزهار الطّيبَة انتشرت في ساحة دارنا!

- الف) پخش شد ب) پخش شده بود

۵) ما كان انكسر الوعاء الزجاجي بيد الطفل!

- الف) شکسته شده بود ب) شکسته نشده بود

پاسخ: ۱) الف / ۲) الف / ۳) ب / ۴) ب / ۵) ب

نمونه تست

«أثمار فصل الصيف المفيدة هي الزهور المتلوّنة التي كانت قد صنعت لنا منظرًا رائعاً في فصل الربيع»:

(سراسری انسانى ۹۳)

۱) میوه‌های مفید فصل تابستان همان شکوفه‌های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره‌دل‌انگیزی برای ما ساخته بودند!

۲) همان شکوفه‌های رنگین که در فصل بهار منظره‌دل‌انگیز ایجاد می‌کنند در فصل تابستان میوه‌های مفید به بار می‌آورند!

۳) همان شکوفه‌های رنگارنگی که منظره‌دل‌انگیز بوده‌اند در فصل تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!

۴) میوه‌های مفید در فصل تابستان شکوفه‌های رنگارنگ بهاری هستند که آن منظره‌های جالب را برایمان می‌ساختند.

پاسخ

«أثمار فصل الصيف المفيدة هي الزهور المتلوّنة التي كانت قد صنعت

ماضی بعید

لنا منظرًا رائعاً في فصل الربيع»:

۱) میوه‌های مفید فصل تابستان همان شکوفه‌های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره‌دل‌انگیزی برای ما ساخته بودند! ✓

۲) همان شکوفه‌های رنگین که در فصل بهار منظره‌دل‌انگیز ایجاد می‌کنند در

مشارع

فصل تابستان میوه‌های مفید به بار می‌آورند!

۳) همان شکوفه‌های رنگارنگی که منظرهٔ فصل بهار را زیبا کرده بودند در فصل

معنا اشتباه است

تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!

ماضی

۴) میوه‌های مفید در فصل تابستان شکوفه‌های رنگارنگ بهاری هستند که آن

منظره‌های جالب را برایمان می‌ساختند.

ماضی استمراری

شکل دوم ساخت فعل ماضی بعید:

ماضی + ماضی ← ماضی بعید (ماضی ساده)

این ساختار را در جملهٔ بعد از اسم نکره می‌بینیم به این صورت که اگر فعل اول ماضی باشد و فعل دوم نیز ماضی باشد، فعل دوم به صورت ماضی بعید یا ماضی ساده ترجمه می‌شود.

مثال: ما قَبِلْتُ هَدِيَّةً جَاءَ صَدِيقِي بِهَا: هدیه‌ای را که دوستم آورده بود، نپذیرفتم.

در ساختار دوم در جملات بعد از «الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ» می‌بینیم که اگر فعل اول ماضی باشد و فعل دوم نیز ماضی باشد، فعل دوم به صورت ماضی بعید یا ساده ترجمه می‌شود.

مثال: ما قَبِلْتُ الْهَدِيَّةَ الَّتِي جَاءَ صَدِيقِي بِهَا: هدیه‌ای را که دوستم آورده بود نپذیرفتم.

تمرین: عین معادل «للماضي البعيد في الجمل التالية:

- ۱) وجد الغريبيون في كتب المسلمين الجديدة نظريات ما شاهدوها من قبل!
- ۲) سألنا الأستاذ سؤالاً صعباً لم نقرأه حتى الآن!
- ۳) قرئت في المدرسة آيات أثرت في قلبي كثيراً!
- ۴) كتبت في دفترتي ما وجدت نكاتاً علمية في هذا الكتاب!
- ۵) غرست في الحديقة الوردة الحمراء التي اشتريتها من الفلاح!
- ۶) اشتريت كتاباً اليوم قد رأيت من قبل!
- ۷) كان الطلاب نظفوا مدرستهم فصارَت المدرسة نظيفة!
- ۸) في الحصة الثالثة كنت أستمع إلى كلام المدرس!
- ۹) سافرت إلى القرية التي شاهدت صورتها أيام صغري!
- ۱۰) ضرب مثل في المدرسة سمعته في الأسبوع الماضي!



- پاسخ:** (۱) ما شاهدوها: آن را ندیده بودند (جمله بعد اسم نکره)
 (۲) لم نقرأ: نخوانده بودیم (جمله بعد اسم نکره)
 (۳) أثرت: تأثیر گذاشته بود (جمله بعد اسم نکره)
 (۴) كتبت: نوشته بودم (جمله بعد اسم نکره)
 (۵) اشتريتها: خریده بودمش (ماضی + ماضی)
 (۶) قد رأيتها: دیده بودمش (جمله بعد اسم نکره)
 (۷) كان ... نطفوا: تمیز کرده بودند (كان + ماضی)
 (۸) كنت أستمع: گوش می دادم (كان + مضارع ← ماضی استمراری)
 (۹) شاهدت: دیده بودم (ماضی + ماضی)
 (۱۰) سمعته: شنیده بودمش (جمله بعد اسم نکره)

نمونه تست

«حکمت في مباراة علمية بين فريقين مجدين خصصت جائزتان للفائزين منهنما!»:

(سراسری انسانی ۸۷)

- ۱ در مسابقه علمی بین دو تیم کوشا که من داوری کردم دو جایزه برای برندگان اختصاص داده بودم!
 ۲ در یک مسابقه علمی بین دو تیم کوشا که دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص یافته بود، داوری کردم!
 ۳ در یک مسابقه علمی میان دو گروه پرتلاش که جوایزی برای برندگان اختصاص داده بودند، داور بودم!
 ۴ در مسابقه‌ای علمی بین دو گروه تلاش‌گر داوری کردم و دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص دادم!

پاسخ

«حکمت في مباراة علمية بين فريقين مجدين خصصت جائزتان للفائزين منهنما!»:

+ ماضی ← ماضی بعید

ماضی

- (۱) در مسابقه علمی بین دو تیم کوشا که من داوری کردم دو جایزه برای برندگان اختصاص داده بودم!

اول شفق نیست

۲) در یک مسابقه علمی بین دو تیم کوشاکه دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص یافته بود، داوری کردم. ✓

۳) در یک مسابقه علمی میان دو گروه پرتلاش که جوایزی برای برندگان اختصاص داده بودند، داور بودم.

از نظر صیغه اشتباه است

۴) در مسابقه‌ای علمی بین دو گروه تلاش‌گر داوری کردم و دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص دادم.

ماضی ساره

۴ فعل ماضی استمراری

در فارسی «می + بن ماضی» ماضی استمراری می‌سازد؛ مانند: می‌رفت، می‌دیدم و ...

شکل اول ساخت ماضی استمراری:

کانَ + مضارع ← ماضی استمراری

مثال: کانَ یذهبُ: می‌رفت / کانت تذهبُ: می‌رفت / کانوا یذهبون: می‌رفتند

نکته بین «کانَ» و «فعل مضارع» می‌تواند فاصله باشد.

کان تلامیذ المدرسه یذهبونَ إلى سفرة علمیه: دانش‌آموزان مدرسه به یک گردش علمی می‌رفتند.

نمونه تست

«كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِبًا قَد كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صَحْفِ مَدِينَتِنَا»: (سراسری ریاضی ۸۸)

۱) به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه شهرمان به چاپ رسیده است!

۲) نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیش‌تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!

تست‌های ترجمه

عين الأصح والأدق في الترجمة:

در این تیپ از تست‌ها یک عبارت عربی در صورت سؤال داده می‌شود و به چهار شکل در گزینه‌ها ترجمه می‌شود که فقط یک گزینه (شکل) صحیح است. این تست‌ها را به راحتی می‌توان با رد گزینه حل کرد. کافی است فعل‌ها، یا موارد دیگری که قبلاً توضیح دادیم را در گزینه‌ها مقایسه کنید و به راحتی ترجمه‌های اشتباه را رد کنید.

۱. ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾: (ریاضی ۹۸)

- ۱) ولی شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند ...
- ۲) همانا ولی شما خداوند است و پیامبرش و هر کس ایمان بی‌آورد ...
- ۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آن‌که ایمان آورده است ...
- ۴) به درستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

۲. «يَتْرَاكُم بِخَاژِ الْمَاءِ فِي السَّمَاءِ وَيَتَشَكَّلُ مِنْهُ الْغَيْمُ الَّذِي يَعِدُّ مِنْشَأَ الْمَطَرِ»: (ریاضی ۹۸)

- ۱) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و از آن ابر تشکیل می‌گردد که منشأ باران به شمار می‌آید!
- ۲) این بخارهای متراکم آسمان هستند که ابر را تشکیل می‌دهند و همان منشأ باران به شمار می‌آیند!
- ۳) از بخارهای آبی که در آسمان متراکم شده است ابرها به وجود می‌آیند و آن یک منشأ برای باران است!
- ۴) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و سبب به وجود آمدن ابرها در آسمان می‌گردد که منشأ باران است!



۱۰۸. ﴿عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾: (هذر ۹۴)

- ۱) بندگان رحمن کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند!
- ۲) عبادت‌کنندگان رحمن آنانی هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!
- ۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین ره می‌سپارند!
- ۴) بندگان خداوند رحمان آنانی هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

عین الخطأ

در این تیپ از تست‌های ترمیمه، چهار گزینه داده می‌شود که هر چهار گزینه عبارت عربی دارد و ترمیمه آن رو به روی آن نوشته شده است. پس هر گزینه را باید به طور مستقل بررسی و رد کرد. در این تیپ، سه گزینه درست است و فقط یک گزینه اشتباه است که پیدا کردن آن به راحتی امکان‌پذیر است. البته این را بگوییم که این تیپ نسبت به تیپ قبلی نیاز به زمان بیش‌تری دارد. نکته قابل توجه این است که در برخی از این تیپ‌ها، چهار گزینه برگرفته از یک عبارت هستند که از هم جدا شده‌اند. پس، از آخر هر گزینه‌ای که علامت (،) داشته باشد و گزینه (۳) علامت (!) داشته باشد، این راهی توان دریافت. پس در این مواقع باید به ارتباط میان آن‌ها توجه کنید.

۱۰۹. عین الخطأ: (تمرین ۹۸)

- ۱) لا يقدر المتكبر الجبار أن يزرع بذر الحكمة في قلبه: یک خودبزرگ‌بین ستمگر نمی‌تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،
- ۲) لأنّ هذا القلب يئس من الصّخور، ولكن هذه الحكمة: زیرا این قلب از صخره‌ها ساخته شده، لیکن این حکمت،
- ۳) تنبت في قلب المتواضع و تعمر فيه مدّة طويلة: در قلب شخص فروتن می‌روید و در آن مدتی طولانی ماندگار می‌شود،
- ۴) كأنّ التّواضع قريبٌ العقل و التكبر دليلُ الجهل: گویی که تواضع هم‌نشین عقل است و تکبر نشانه جهل!

www.Gajmarket.com

دین‌الصّحیح:

این تیپ نیز دقیقاً مانند تیپ قبلی است. با این تفاوت که این بار، سه گزینه اشتباه و یک گزینه صحیح است، دقت داشته باشید پیرا کردن گزینه صحیح بسیار سفت تر است.

(ریاضی ۹۸)

۱۳۵. عین الصّحیح:

- ۱) لیتنی رأیت جمیع الكتب: کاش همه کتابها را بینم!
- ۲) لعلّ الخیر قد نزل علینا: شاید خیر بر ما نازل شود!
- ۳) لیت الامتحان قد انتهی: کاش امتحان تمام شود!
- ۴) لعلّ الصّبر یُنقذنا: شاید پایداری نجاتمان دهد!

(ریاضی ۹۸)

۱۳۶. عین الصّحیح:

- ۱) إِمَّا مَنْ لَمْ یلد و لم یولد، هو اللّٰه: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط اللّٰه است!
- ۲) جاءت الأمُّ بالحبوب لفراخها الصّغيرة: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ۳) یَنفِقون من أحسن ما یحبّون أكثر من قبل: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ۴) عندما یلقی الخطیبُ محاضرةً یُنصت الحَضارُ له: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

(تربی ۹۸)

۱۳۷. عین الصّحیح:

- ۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا یسمعون کلامک!: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی‌دهند!
- ۲) لا تُکرمن اللّیثمَ لِأنّه یتمرّد تمرّدًا و أنت تیأس!: هرگز انسان فرومایه را گرمی مدار بر ای این‌که او قطعاً نافرمانی خواهد کرد در حالی که تو مأیوس شده‌ای!
- ۳) السکوتُ أجمل کلام قد یستطیع أن یثیر الشخص أكثر من کلّ شیءٍ آخر!: سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می‌تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!
- ۴) یُصاد الحوت لیستفید الکیمیاویون من زیت کبده فی صناعة موادّ التجمیل!: نهنگ‌ها صید می‌شوند تا شیمی‌دانان از روغن کبد آن‌ها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!



۱۶۳. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(زبان ۸۸)

- ۱) قد كان عزم أن يذهب إلى السفر مع صديقه: با دوستش تصمیم گرفت که به سفری برود،
- ۲) فقبل الصديق و لکنه لم يعمل بوعده: دوستش نیز پذیرفته بود اما به تعهداتش وفا نکرد،
- ۳) و لم يحضر في رأس الساعة، فأراد أن يرجع! و رأس ساعت حاضر نشد، و خواست که برگردد،
- ۴) بعد ساعة فجأة رأى صديقه و هو يأتي بسرعة! اما دوستش را می بیند که بعد از یک ساعت به سرعت می آمد!

تعمیر یا همان ترجمه از فارسی به عربی:

در این تیپ از تست‌ها یک عبارت فارسی در صورت سؤال داده می‌شود و به چهار شکل در گزینه‌ها به عربی برگردانده می‌شود که فقط یک گزینه (شکل) صحیح است. برای پاسخ‌گویی به این تست‌ها نیز نگران نباشید با همان شیوه ردگزینه می‌توانید به پاسخ صحیح دست یابید.

۱۶۴. «خَفَّاشٌ تَنهَا حَيَوَانَ پستاننداری است که قادر به پرواز می‌باشد!»: (ریاضی ۹۸)

- ۱) الخَفَّاشُ الَّذِي حَيَوَانَ لَبُونٍ وَحِيدٍ وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى الطَّيْرَانِ!
 - ۲) الحَيَوَانَ الْوَحِيدِ اللَّبُونِ لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ هُوَ الْخَفَّاشُ!
 - ۳) الْخَفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانَ الْوَحِيدِ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ!
 - ۴) الْحَيَوَانَ اللَّبُونِ الْوَحِيدِ وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى الطَّيْرَانِ لَيْسَ الْخَفَّاشُ!
۱۶۵. «اسب‌هایی را دیدم، آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند!»: (تجربی ۹۸)

- ۱) نَظَرْتُ أَفْرَاسًا، وَ كَانَتْ أَفْرَاسٌ فِي جَنْبِ صَاحِبِهَا!
- ۲) شَاهَدْتُ الْأَفْرَاسَ الَّتِي كَانَتْ فِي جَنْبِ صَاحِبِهَا!
- ۳) وَجَدْتُ الْأَفْرَاسَ وَ هِيَ كَانَتْ جَنْبِ صَاحِبِهَا!
- ۴) رَأَيْتُ أَفْرَاسًا، كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبِ صَاحِبِهَا!

پاسخنامه

۱ ۱ | ۱: إنما: فقط [رد سایر گزینه‌ها]

آمنوا: ایمان آوردند، آورده‌اند؛ فعل ماضی سوم شخص جمع است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱ ۲ | بخار: بخار؛ مفرد است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

الغیم: ابر؛ مفرد است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

يُعَدُّ: به شمار می‌آید؛ فعل مضارع سوم شخص مفرد است. [رد سایر گزینه‌ها]

۳ ۴ | أعجب: عجب‌ترین؛ اسم تفضیل است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

صیدها: شکار خود؛ ضمیر «ها» باید ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

حيًّا: زنده؛ حال است؛ با صفت اشتباه نگیرد.

۲ ۴ | أخلص النَّاسَ: خالص‌ترین مردم؛ اسم تفضیل است و چون بعد از آن

مضاف‌الیه آمده است به‌صورت صفت عالی ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

تَجْرِي: جاری می‌شود؛ فعل مضارع است. [رد گزینه (۳)]

۱ ۵ | لا تستشیر: مشورت نکن؛ فعل نهی است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

فإنه كالسراب: زیرا او چون سراب است؛ جمله کامل است و نمی‌تواند همراه جمله

بعد از آن ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

۳ ۶ | كنت أفكر: می‌اندیشیدم؛ ماضی استمراری است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

في نفسي: با خود (با خویش، با خودم) [رد گزینه (۴)]

السماء: آسمان («این» اضافه آمده است). [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۴ ۷ | هناك كلمات: کلماتی وجود دارند [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

تجری: جاری می‌شوند؛ فاعل «تجری» به «کلمات» برمی‌گردد و بنابراین «جاری

می‌کنند» اشتباه است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

لم یکن یعرفها: نمی‌شناختند؛ فعل ماضی استمراری است. دقت کنید «لم یکن»

معادل «ما کان» است پس به همراه فعل مضارع به‌صورت ماضی استمراری ترجمه

می‌شود. [رد گزینه (۱)]

مرور قواعد پایه های هفتم، هشتم و نهم

هر کلمه‌ای در هر زبانی سه نوع است: فعل - اسم - حرف
حال هر قسمت کلمه را بررسی می‌کنیم:

فعل

ماضی ساده	ماضی	انواع فعل
ماضی منفی		
ماضی استمراری		
مضارع ساده (اخباری)	مضارع	
مضارع منفی (نفی)		
مضارع نهی		
مضارع مستقبل (آینده)	امر	

الف) فعل ماضی

بر زمان گذشته دلالت می‌کند و در فارسی و عربی به شکل‌های زیر می‌آید:

أنا ذَهَبْتُ	من رفتم	اول شخص مفرد	مفرد
أنتَ ذَهَبْتَ (مذكر) - أنتِ ذَهَبْتِ (مؤنث)	تو رفتی	دوم شخص مفرد	
هُوَ ذَهَبَ (مذكر) - هِيَ ذَهَبَتْ (مؤنث)	او رفت	سوم شخص مفرد	
نحنُ ذَهَبْنَا	ما رفتیم	اول شخص جمع	جمع
أنتم ذَهَبْتُمْ (جمع مذكر) - أنتن ذَهَبْتُنَّ (جمع مؤنث) - أنتما ذَهَبْتُما (مثنی)	شما رفتید	دوم شخص جمع	
هُم ذَهَبُوا (جمع مذكر) - هُنَّ ذَهَبْنَ (جمع مؤنث) - هما ذَهَبَا (مثنی مذكر) - هما ذَهَبَتَا (مثنی مؤنث)	آن‌ها رفتند	سوم شخص جمع	



نکته

۱) برای منفی کردن فعل ماضی کافی است قبل از فعل، حرف «ما» را قرار دهیم.

مثال: ذَهَبَ: رفت ← ما ذَهَبَ: نرفت

۲) فعل ماضی استمراری در فارسی از ترکیب «می + فعل ماضی» ساخته می‌شود،

اما در زبان عربی «کان + مضارع» معادل ماضی استمراری فارسی است.

مثال: کان يَذْهَبُ: می‌رفت کانوا يَذْهَبُونَ: می‌رفتند

(ب) فعل مضارع

بر زمان حال دلالت می‌کند و در فارسی و عربی به شکل‌های زیر می‌آید:

أنا أذهبُ	من می‌روم	اول شخص مفرد	مفرد
أنت تذهبُ (مذکر) - أنتِ تذهبنَ (مؤنث)	تو می‌روی	دوم شخص مفرد	
هو يذهبُ (مذکر) - هي تذهبُ (مؤنث)	او می‌رود	سوم شخص مفرد	
نحن نذهبُ	ما می‌رویم	اول شخص جمع	جمع
أنتم تذهبونَ (جمع مذکر) - أنتنَّ تذهبنَ (جمع مؤنث) - أنتما تذهبانِ (مثنی)	شما می‌روید	دوم شخص جمع	
هم يذهبونَ (جمع مذکر) - هنَّ يذهبنَ (جمع مؤنث) - هما يذهبانِ (مثنی مذکر) - هما تذهبانِ (مثنی مؤنث)	آن‌ها می‌روند	سوم شخص جمع	

نکته

۱) برای منفی کردن فعل مضارع کافی است به آن حرف «لا» اضافه کنید.

مثال: نذهبُ: می‌رویم. ← لا نذهبُ: نمی‌رویم.

۲) برای ساختن فعل مستقبل (آینده) حرف (سَ) یا (سَوْفَ) را به ابتدای فعل مضارع

اضافه می‌کنیم.

مثال: أذهبُ: می‌روم. ← سأذهبُ (سوف أذهبُ): خواهم رفت.

۳ فعل مضارع نهی در زبان فارسی و عربی به شکل‌های زیر می‌آید:

دوم شخص مفرد	نرو	لا تَذْهَبْ (مذکر) - لا تَذْهَبِي (مؤنث)
دوم شخص جمع	نروید	لا تَذْهَبُوا (جمع مذکر) - لا تَذْهَبْنَ (جمع مؤنث) لا تَذْهَبَا (مثنی مذکر و مؤنث)

نمونه تست

في أي عبارة جاء فعل مضارع للنهي:

- ۱ هذا الرجل لا يبعث ابنه إلى ساحة القتال!
- ۲ هؤلاء الطالبات لا يذهبن اليوم إلى المدرسة!
- ۳ أيتها الأم لا تفرقي بين أولادك!
- ۴ لا تتعب المديرية من مسؤوليتها أمام الطالبات!

پاسخ

- ۱ هذا الرجل لا يبعث ابنه إلى ساحة القتال!
نفي
 - ۲ هؤلاء الطالبات لا يذهبن اليوم إلى المدرسة!
نفي
 - ۳ أيتها الأم لا تفرقي بين أولادك! ✓
نهي
 - ۴ لا تتعب المديرية من مسؤوليتها أمام الطالبات!
نفي
- (با توجه به «المديرية» فعل مضارع سوم شخص است.)



ج فعل امر

فعل امر در فارسی و عربی به شکل‌های زیر می‌آید:

دوم شخص مفرد	بُرو	إِذْهَبْ (مذکر) - إِذْهَبِي (مؤنث)
دوم شخص جمع	بِروید	إِذْهَبُوا (جمع مذکر) - إِذْهَبْنَ (جمع مؤنث) إِذْهَبَا (مثنی مذکر و مؤنث)

اسم

انواع اسم از نظر جنس
مذکر: علامتی ندارد. الصَّفّ - التلمیذ
مؤنث: ة، ة علامت مؤنث است. التلمیذة - المدرسة

مفرد	علامت خاصی ندارد: طالب، طالبة	انواع اسم از نظر تعداد
مثنی	ان - ین علامت مثنی هستند: طالبان - طالبین - طالبتان - طالبتین	
جمع	مذکر سالم: وَنْ - ینْ علامت جمع مذکر هستند. مُعَلِّمُونَ - مُعَلِّمِينَ مؤنث سالم: «ات» علامت جمع مؤنث است. مُعَلِّمَات مکسر: نشانه‌ای ندارد و ساختار مفرد کلمه شکسته می‌شود. طُلَّاب - قِصَص	

نکته گاهی اسم‌های مؤنث علامت مؤنث ندارند، اما برای افراد مؤنث به کار می‌روند.

مثال: الأمّ: مادر - البنت: دختر

نکته حواسمان به اسم‌هایی مانند «شیاطین، میادین، عدوان، خُسران، مَساکین و ...» باشد. درست است که آخر آن‌ها «ین، ان» دارد اما اسم مثنی یا جمع مذکر سالم نیستند؛ زیرا با حذف «ین، ان» از آخر آن‌ها به یک اسم مفرد معنادار نمی‌رسیم.

نکته جمع سالم جمعی است که به هنگام جمع بستن، صورت مفرد آن صحیح و

سالم باقی می‌ماند. **مثال:** مُسَلِّم / مُسَلِّمِينَ ←

اما جمع مکسر، آن است که به هنگام جمع بستن، صورت مفرد آن شکسته می‌شود.

مثال: مَسکین ← مَساکین

اسم‌های اشاره

اشاره به دور	اشاره به نزدیک		
ذلك، ذاك (آن)	هذا، ذا (این)	مذکر	مفرد
تلك (آن)	هذه (این)	مؤنث	
—	هذانِ - هذینِ (این دو)	مذکر	مثنی
—	هاتانِ - هاتینِ (این دو)	مؤنث	
أولئك (آن‌ها)	هؤلاء (این‌ها)	مذکر و مؤنث	جمع

نکته

۱ اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

مثال: هؤلاء رجالٌ: این‌ها مرد هستند.

هؤلاء الرجالُ مُجَدَّونَ: این مردان، کوشا هستند.

۲ (برای مطالعه بیشتر): اسم‌های اشاره برای جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث به کار می‌رود.

مثال: هذه كُتُبٌ: این‌ها کتاب هستند.

مفرد مؤنث جمع غیر انسان

تلك الأشجارُ جميلةٌ: آن درختان زیبا هستند.

مفرد مؤنث جمع غیر انسان

حرف

با معنی برخی از حروف مانند «من (از) - عَلَيَّ (بر) - بِ (با) - عَن (درباره، از) - فِي (در) - هَلْ، أ (آیا) - لِ (برای) - إِلَى (به، به سوی) و ...» آشنا هستید.



کلمات پرسشی

مثال	در پاسخ به آن‌ها	ترجمه	کلمات پرسشی
أهذه شجرة؟ نعم. (آیا این درخت است؟ بله)	نعم، لا	آیا	هل، أ
مَنْ هو؟ هو طبيبٌ. (او کیست؟ او پزشک است.)	معرفی فرد یا افراد	چه کسی، چه کسانی، کیست	مَنْ
لِمَنْ هذا القلم؟ لصديقي. (این قلم برای کیست؟ برای دوستم است.)	لِـ + اسم فرد یا افراد	برای چه کسی؟، برای کیست؟	لِمَنْ
ما هذا؟ هذا جَوَّالٌ. (این چیست؟ این تلفن همراه است.)	اسم شیء	چه چیزی؟، چیست؟	ما، ما هو، ما هي، ماذا
أَيْنَ المعلم؟ في الصفِّ. (معلم کجاست؟ در کلاس)	اسم مکان	کجا	أَيْنَ
مِنْ أين أنت؟ أنا مِنْ إيران. (اهل کجا هستی؟ من ایرانی هستم.)	مِنْ + محل سکونت	اهل کجا، از کجا	مِنْ أين
لِمَاذا ما ذهبتَ إلى المدرسة؟ لأنِّي كنتَ مريضاً. (چرا به مدرسه نیامدی؟ زیرا مریض بودم.)	علتی بیان می‌شود که همراه «لِـ» هست	برای چه، چرا	لِمَاذا (لِمَ)
كيف الجو؟ باردٌ. (هوا چگونه است؟ سرد است.)	حالت مورد سؤال می‌آید	چگونه	كَيْفَ
أَيِّ درسٍ تُحبُّ؟ العربيةً. (کدام درس را دوست داری؟ عربی)	اسم انتخابی	کدام	أَيِّ

کلمات پرسشی	ترجمه	در پاسخ به آنها	مثال
کَمْ	چند	عدد	کم کتاباً في محفظتك؟ ثلاثة (چند کتاب در کیفست است؟ سه تا)
مَتَى	چه وقت؟ کی؟	هر چه بر زمان دلالت کند	مَتَى تَأْكُلُ العشاء؟ في اللّيل (کی شام می خوری؟ در شب)
بِمَ (بِمَاذَا)	با چه؟ با چه چیزی؟	بِ + اسم وسیله	بِمَ سافَرتَ؟ بالسيارة

موصوف و صفت

در ترکیب وصفی دو اسم هستند که در کنار هم قرار می گیرند و اسم دوم، اسم قبل از خود را توصیف می کند و تشخیص صفت بودن آن با توجه به ترجمه آن ها صورت می گیرد.

الكتاب المفيد: کتاب مفید

موصوف صفت

الشجرة الجميلة: درخت زیبا

موصوف صفت

طالب ناجح: دانش آموزی موفق

موصوف صفت

البنات المجدة: دختر کوشا

موصوف صفت

نمونه تست

عین ما لیس فیہ الوصف:

(سراسری فارغ از کشور ۹۲)

- ۱ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَقَوْمَ هُوَ بِوَجَابَاتِهِ الدِّينِيَّةِ حَتَّى تُقْبَلَ مِنْهُ!
- ۲ إِنَّ اسْتِعْمَالَ الْأَمْلَاحِ كَثِيراً فِي الطَّعَامِ لَيْسَ مَفِيداً لِجِسْمِ الْإِنْسَانِ!
- ۳ سَافَرَ الْعُلَمَاءُ الْمُسْلِمُونَ لِاكتشافات علمية إلى أقصى الأرض!
- ۴ بَعْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ الْكثِيرَةِ أَصْبَحَتِ السَّمَاءُ نَظِيفَةً فَظَهَرَتْ ظَاهِرَةٌ قَوْسِ قَرَحٍ!



پاسخ

- ١) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَقُومَ هُوَ بِوَجَابَاتِهِ الدِّينِيَّةِ حَتَّى تُقْبَلَ مِنْهُ!
ترکیب وصفی
- ٢) إِنَّ اسْتِعْمَالَ الْأَمْلَاحِ كَثِيرًا فِي الطَّعَامِ لَيْسَ مُفِيدًا لِجِسْمِ الْإِنْسَانِ! ✓
ترکیب اضافی
- ٣) سَافَرَ الْعُلَمَاءُ الْمُسْلِمُونَ لِاكتِشَافَاتٍ عِلْمِيَّةٍ إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ!
ترکیب وصفی
- ٤) بَعْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ الْكَثِيرَةِ أَصْبَحَتِ السَّمَاءُ نَظِيفَةً فَظَهَرَتِ ظَاهِرَةُ قَوْسِ قَرَحٍ!
ترکیب وصفی

مضاف و مضاف اليه

- در ترکیب اضافی نیز دو اسم کنار هم قرار می‌گیرند و اسم اول متعلق به اسم دوم است.
- مثال:** لباسِ بچه: لباسِ الطفل دانش‌آموزانِ مدرسه: طلّابُ المدرسة
مضاف مضاف اليه مضاف مضاف اليه
- نکته‌ای که در این مثال‌ها مشهود است این است که مضاف «ال» و تنوین، نمی‌گیرد.
- نکته:** اسم + ضمیر، ترکیب اضافی است.

نمونه تست

أَيُّ عِبَارَةٍ لَا تُشْتَمِلُ عَلَى التَّرْكِيبِ الْإِضَافِيِّ:

- ١) رَجَعْتُ إِلَى بِلَادِي الْحَبِيبَةِ!
- ٢) أَحَبُّ أَوْصِدْقَائِي لِأَنَّهُمْ يَكْرُمُونَ الْفُقَرَاءَ!
- ٣) الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ!
- ٤) تُرَبِّي الْأُمَّهَاتُ الْأَوْلَادَ وَ هُنَّ يَرْجُونَ بِنَاءَ صَالِحًا!

پاسخ

(۱) رجعت إلى بلادي الحبيبة!

ترکیب اضافی

(۲) أَحَبُّ أَصْدِقَائِي لِأَنَّهُمْ يَكْرُمُونَ الْفُقَرَاءَ!

ترکیب اضافی

(۳) الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ!

ترکیب اضافی

(۴) تُرَبِّي الْأُمَّهَاتُ الْأَوْلَادَ وَ هُنَّ يَرْجُونَ بِنَاءَ صَالِحاً! ✓

ترکیب وصفی

ترکیب صفت و مضاف الیه

گاهی برای یک اسم هم مضاف‌الیه می‌آید و هم صفت. به این مثال‌ها در زبان فارسی و عربی دقت کنید:

مثال: خواهر بزرگم : أُخْتِي الْكَبِيرَةُ

صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت

گروه برنده ما: فَرِيقُنَا الْفَائِزُ

صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت

پس با توجه به مثال بالا در زبان فارسی: «اسم + صفت + مضاف‌الیه» اما در زبان عربی: «اسم + مضاف‌الیه + صفت» می‌شود.

وزن کلمات و حروف اصلی آن‌ها

اسم‌ها و فعل‌ها در زبان عربی وزن و آهنگ خاصی دارند و اکثر آن‌ها از یک ریشه سه حرفی تشکیل شده‌اند، مانند: **حاکم** - **مَحْكُوم** - **حکیم** - **حکمة** ← از ریشه: ح ک م حَبَّ حالا حرف یا حرفی می‌توانند به این سه حرف اضافه شوند که به آن‌ها حروف «زائد» می‌گوییم.



تَدَاف	← تصادف	ف	دُ	ا	ص	تَدَ
تَفَاعَل	← تفاعل	ل	عُ	ا	ف	تَدَ

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِر - حَاكِم - رَافِع - عَلِيم - شَاكِر - قَاتِل - ظَالِم
مَفْعُول	مَنْصُور - مَحْكُوم - مَرْفُوع - مَعْلُوم - مَشْكُور - مَقْتُول - مَظْلُوم
فَعِيل	شَرِيف - كَرِيم - رَحِيم - نَظِير - عَلِيم - كَبِير - صَغِير

تمرین قواعد

التمرین الأول عین الصحیح:

- (۱) أَخْرَجَ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَةَ. (الف) ماضی (ب) امر
- (۲) أَنْظَرُ إِلَى اللَّيْلِ. (الف) امر (ب) مضارع
- (۳) سَأَسْأَلُ إِلَى إِيْرَانِ. (الف) آينده (ب) نهی
- (۴) هَؤُلَاءِ الْأَطْفَالُ كَانُوا يَعْمَلُونَ جَيِّدًا. (الف) ماضی استمراری (ب) ماضی بعید
- (۵) لَا تَبْحَثَنَّ عَنْ عِيُوبِ النَّاسِ، أَيْتِهَا الصَّدِيقَاتِ. (الف) نهی (ب) نفی مضارع

پاسخ

- (۱) أَخْرَجَ: ماضی ترجمه: بیرون آورد
- (۲) أَنْظَرُ: مضارع ترجمه: نگاه می‌کنم
- (۳) سَأَسْأَلُ: مستقبل (آینده) ترجمه: سفر خواهم کرد
- (۴) كَانُوا يَعْمَلُونَ: ماضی استمراری ترجمه: کار می‌کردند
- (۵) لَا تَبْحَثَنَّ: نهی ترجمه: جست‌وجو نکنید

التمرین الثانی عین کلمة مناسبة للفراغ:

- (۱) الأم تُحِبُّ وَلَدَهَا.



تلك



هذا

٢) وزن كلمة «تعامل» و حروفها الأصلية

تفاعل - عَمِلَ فاعل - عَلِمَ

٣) من الغيم المطر.

يُنزِلُ يَنْزِلُ

پاسخ

١) تلك

٢) تفاعل - عَمِلَ

٣) يَنْزِلُ

تست

١. عَيْن ما ليس فيه جمعٌ سالم للمؤنث:

١) لَطْمْنَا العِدْوُ أَشَدَّ اللَّطْمَاتِ!

٢) لي جَوَّالٌ من أَدَقِّ الجَوَّالَاتِ الجَدِيدَةِ!

٣) لبعض أولياء الله كرامات كثيرة!

٤) صَوْتُ تِلاوَةِ القُرْآنِ مِنْ أَجْمَلِ الأصواتِ لَنَا!

٢. عَيْن ما فيه جمعٌ سالم للمؤنث:

١) أَجْمَلِ الأصواتِ لصوتِ القُرْآنِ!

٢) أَوْقَاتِ الدَّرَاسَةِ تَبْدَأُ مِنَ الثَّامِنَةِ صَبَاحًا!

٣) هَذِهِ الأبياتِ تَتَعَلَّقُ بِشاعِرٍ كَبِيرٍ!

٤) تَبْدَأُ الإِدَارَاتِ عَمَلُهَا مِنَ الثَّامِنَةِ صَبَاحًا!

٣. عَيْن ما ليس فيه جمعٌ سالم للمؤنث:

١) مِنْ صِفَاتِ المُؤْمِنِينَ بَشَاشَةُ الوَجْهِ!

٢) دَفَعْتُ لَهُ مِقْدَارًا مِنَ الرِّيَالَاتِ الَّتِي كَانَتْ مَعِي!

٣) الأَرْضُ كَرَّةً مِنَ الكُرَاتِ فِي الفِضَاءِ!

٤) الَّذِينَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَيْسُوا مِنَ الأمواتِ!



٤. عَيْنَ الخَطَأِ فِي صِيغَةِ المَضَارِعِ: (عمومى فارغ از كشور ٩٨)

- ١) رَأَيْتُ زُمْلَانِي مَأْيُوسِينَ فَقُلْتُ لَهُمْ لَا تَيَأْسُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ!
- ٢) تَكَلَّمْتُ مَعَ أصدقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجِحُوا فِي بِرَامَجِهِمْ!
- ٣) إِنَّهُمْ خَرَجُوا مِنْ دَارِهِمْ لِيَذْهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ أَنْتُمْ لَمْ تَخْرُجُوا حَتَّى الْآنَ!
- ٤) إِنَّهُمْ خَرَجُوا مِنْ دَارِهِمْ كَيْ يَذْهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ أَنْتُمْ لَمْ تَخْرُجُوا حَتَّى الْآنَ!

٥. عَيْنَ مَا فِيهِ التَّهْيِئَةُ عَنِ الْقِيَامِ بِالْعَمَلِ: (عمومى فارغ از كشور ٩٨)

- ١) لَا نَجَاحَ وَ لَا فَوْزَ لِمَنْ يُرِيدُهُمَا بِلَا جَهْدٍ وَ عَمَلٍ!
- ٢) لَا حِيلَةَ لَنَا إِلَّا التَّمَسُّكَ بِالْعَمَلِ وَ الْإِتِّزَامَ بِالْعَهْدِ!
- ٣) لَا تَبْلُغُونَ بِأَقْوَالِكُمْ أَمَالِكُمْ، فَإِنَّ الِهْمَةَ دَوَاؤُكُمْ!
- ٤) لَا تَعْتَرُوا بِمَا لَدَيْكُمْ، فَرَبَّمَا يَزُولُ فِي لِحْظَةٍ!

٦. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي صِيغَةِ الْفِعْلِ: (زيان ٩٥)

- ١) فِي الْكَائِنَاتِ أَسْرَارٌ لِأَعْلَمُهَا إِلَّا بَعْضُهَا!
- ٢) يَسْتَطِيعُونَ الْمُقَاتِلُونَ الْمُقَامَاةَ أَمَامَ الْأَعْدَاءِ حَبًّا لِلَّهِ!
- ٣) الْمُعَلِّمَاتُ تُشَجِّعْنَ التَّلْمِيذَاتِ لِتَقْدِّمَهُنَّ فِي الْعِلْمِ!
- ٤) عِنْدَمَا تُعَاهِدِينَ صَدِيقَتَكَ فَاعْمَلِي بِمَا تُعَاهِدِينَ!

٧. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الضَّمِيرِ حَسَبَ مَرَجِعِهِ: (رياض ٩٥)

- ١) فِي مَدْرَسَتِنَا مَدِيرَةٌ ذَكِيَّةٌ، تُرْجِعُ الْأُمُورَ كُلَّهَا إِلَيْهِ!
- ٢) كَانَ هَذَا الطِّفْلُ يَبْكِي لِأَنَّ أُمَّهُ لَمْ تَكُنْ فِي جَنْبِهِ!
- ٣) إِشْتَرَيْتُ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً مِنَ السُّوقِ، بَعْضُهُ لِأُمِّي، فَدَفَعْتَهَا لَهُ، فَفَرِحَتْ!
- ٤) قَالَ أَحَدُ الْعُلَمَاءِ: لِأَخَافُ مِنَ الْمَوْتِ لِأَنَّهُ سَفَرٌ لَنَا مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ!

٨. عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: « رِيَاضِيُونَ فَائِزُونَ.»

- ١) هُمْ ٢) أَنْتُمْ ٣) نَحْنُ ٤) أَنْتَ

٩. عَيْنَ الخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: « يَا زَمِيلَتِي، ، أَنْتِ فَائِزَةٌ.»

- ١) لِأَتَحْزِنِي ٢) لِمَاذَا تَحْزِنِينَ ٣) مَنْ يَحْزِنُكَ ٤) أَيْنَ تَحْزِنِينَ

۱۰. آي عبارتۀ ما جاءت فيها صفة:

(۱) أنظر لتلك الشجرة/ ذات الغصون النضرة

(۲) من ذا الذي أوجدها/ في الجوّ مثل الشررة

(۳) ذو حكمةٍ بالغةٍ/ و قدرةٍ مقتدرهٍ

(۴) زانه بأنجمٍ/ كالذّرر المنتشرة

۱۱. عيّن عبارة ما جاء فيها اسم مثنى:

(۱) من زرع الغدوان حصّد الحُسران! (۲) هذان الدليلان يُشاهدان المسافرين!

(۳) لهذه الغرفة هاتان الزجاجتان النظيفتان! (۴) رأيت الشجرتين قُرب نهرٍ في غابةٍ!

پاسختست

۱ | ۴ بررسی گزینہها:

(۱) اللطّامات (مفردہ: اللطمة) ← جمع مؤنث سالم

(۲) الجوّالات (مفردہ: الجوّال) ← جمع مؤنث سالم

نکته برخی اسمها مانند «جوّال، مجال، حیوان» نیز با «ات» جمع بستہ می شوند و ملحق به جمع مؤنث هستند.

(۳) کرامات (مفردہ: کرامة) ← جمع مؤنث سالم

(۴) الأصوات (مفردہ: الصوت) ← جمع مکسر

نکته «ت» در «أصوات» جزء حروف اصلی است.

۲ | ۴ «الإدارات» (مفردہ: الإدارة) جمع مؤنث سالم است.

اما در سایر گزینہها به ترتیب الأصوات (مفردہ: صوت) / أوقات (مفردہ: وقت) / الأبيات (مفردہ: بيت) همگی جمع مکسر است.

۳ | ۴ «الأموات» (مفردہ: المَيّت، المَيّت) جمع مکسر است زیرا «ت» جزء حروف

اصلی است. اما در سایر گزینہها جمع مؤنث سالم به ترتیب: صفات (مفردہ: صفة) / الرّیالات (مفردہ: ريال) / الكُرات (مفردہ: الكرة) هستند.

نکته برخی اسمها مانند «ريال، مجال، جوّال» نیز با «ات» جمع بستہ می شوند.